

ادامه از صفحه اول

حوزه سیاسی ایران وکلان‌روندهای پیش‌رو

ایبن دگرکونی در داخل کشورها باعث ازدست‌رفتن مشاغل و جابه‌جایی‌های طبقاتی و منزلت‌های اجتماعی‌کنونی خواهد شد و ناتوانی حکومت‌ها در برآوردن نیازهای مردم، اوضاع را به‌شدت ناپایدار خواهد کرد. از این‌رو دولت‌ها باید با کارفرمایان، اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های مدنی و تخصصی برای تدوین و اجرای توسعه اقتصادی دانش‌بنیان و سیاست اجتماعی پشتیبان آن مشارکت کنند. در غیر این صورت، در آینده شاهد بی‌اعتمادی فزاینده به دولت‌ها و افزایش تنش‌ها و پوپولیسمی خواهیم بود که هم‌اکنون نیز از ایالات متحده و ایتالیا گرفته تا برزیل، هند و ایران را دربر گرفته است. هرچند با اقتصادهای نوظهور و به‌خصوص چین، بساط تک‌هژمونی ایالات متحده برجیده و جهان به سوی چندقطبی‌شدن و چندجانبه‌گرایی پیش می‌رود، اما این فرایند تا رسیدن به تعریف و اجماع درباره بلوک جدید هژمونی یا «جهانی‌شدن توافقی»، با ملی‌گرایی افراطی، الگوهای جدید نزاع، آثار تغییرات اقلیم … هم همراه خواهد بود و می‌تواند به افزایش تنش و خطر جنگ میان کشورها منجر شود که جنگ قرباغ و شعرخوانی اردوغان درباره تمامیت ارضی ایران نمونه‌هایی از آن است. از این‌رو تعریف هوشمندانه و رسیدن به اجماع درباره قواعد حکمرانی جهانی، حتی بیش از گذشته اهمیت می‌یابد. هرچند جهانی‌شدن اقتصاد، فرایندی ناچار بوده و تداوم خواهد یافت، اما تجربه جهانی‌شدن نولیبرال با رشد فزاینده نابرابری درآمدی، ازبین‌رفتن منابع طبیعی و تغییرات اقلیمی و بهره‌کشی از جوامع جنوب به دست شمال همراه بوده است. از آن سو هرگونه انزواجویی و جزیره‌سازی در نظام جهانی اقتصادی، به نزول اقتصاد و امتیازات نوظودالی برای اقلیتی رانت‌جو و ازدیاد فقر و فساد انجامیده است. از این‌رو تعریف سنجیده رابطه تعاملی و مثبت و پیوند هم‌افزا بین زنجیره ارزش تولید محلی با جهانی شرط لازم برای توسعه پایدار جوامع شده است.

آنچه روشن است، این است که نه‌تنها جهانی‌شدن نولیبرال، بلکه شیوه انتظام نولیبرالی یا مالی-راهبر (finance-led) ایالات متحده نیز که فاقد سیاست اجتماعی فراگیر برای پشتیبانی از ترقی کار است، برای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان کارآمد نیست. تداوم بحران اقتصادی از سال ۲۰۰۸ و تبدیل آن به بحران اجتماعی و سیاسی، دلیل کافی برای کنارگذاشتن این شیوه انتظام است. در مقابل آن، دو سرمشق نوین برای توسعه دانش‌بنیان سر برآورده: در کشورهای اروپا سرمشق نوهم‌گرایی (Neo-corporatism) و در کشورهای آسیای شرقی و چین سرمشق نودولت‌گرا (Neo-statism) یا دولت توسعه‌بخش،که هر دو دانش-راهبر (knowledge-led) هستند. شیوه نوهم‌گرا ازطریق اجماع اجتماعی بین کنشگران اقتصادی، به صورت مستقیم‌تری به ساماندهی توانان نوآوری و سیاست بازار کار می‌پردازد. دولت برای نوآوری می‌کوشد بین رقابت و همکاری اقتصادی و اجتماعی، موازنه برقرار کند. شیوه نودولت‌گرا دربی نوعی از سیاست ساختاری است که در آن دولت اهداف مربوط به فناوری‌های نوین، نظامات نوآوری، زیرساخت‌های سخت و نرم و دیگر عوامل مؤثر بر رقابت ساختاری در اقتصاد دانش را فراهم می‌آورد. در هر دو این شیوه‌های انتظام‌بخش نیز سیاست اجتماعی فراگیر برای پشتیبانی از توسعه دانش‌بنیان در دستور کار قرار گرفته است. اما در اروپا کشورهایی همچون ایتالیا و یونان و بسیاری از کشورهای اروپای شرقی به دلیل ضعف در تعریف شیوه انتظام نوهم‌گرا دچار بحران پایدار هستند و به‌جز آسیای جنوب شرقی، در تقریبا کل دیگر کشورهای جنوب (واز آن جمله ایران) به دلیل ضعف در تعریف شیوه انتظامی مشابه نودولت‌گرا، دچار بحران دائم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شده‌اند.

آیا حوزه سیاسی ایران تا آید نشده از افسانه‌پردازی و دادن قطع‌نامه‌ها در سراسرای مجلس و دولت و آنگاه مرد عمل نامیدن ترامپ یا پیروی از توصیه‌های چند رانت‌جو برای اعلام‌کردن بخش مسکن به‌عنوان لوکوموتیو اقتصاد، یا تبدیل منطقه نوآوری تهران (منطقه ۲۲) به مستعقلا مسکونی و تجاری دست برمی‌دارد؟ آیا اهمیت تدوین الگوی توسعه دانش‌بنیان و نحوه جهانی‌شدن توافقی را برای تعریف نوع رابطه با هر دولت آمریکایی، اروپایی، چینی، هندی … درمی‌یابد؟ آیا برای جلوگیری از نابرابری‌های طبقاتی و جغرافیایی و تنش‌های اجتماعی، به تدوین سیاست اجتماعی پشتیبان توسعه دانش‌بنیان می‌پردازد؟ و آیا در یک محیط حداقلی دموکراتیک از کارفرمایان، اتحادیه‌های کارگری و دهقانی، انجمن‌های مدنی و تخصصی، در سطوح ملی و محلی، برای تدوین و اجرای توسعه اقتصادی دانش‌بنیان و سیاست اجتماعی پشتیبان آن بهره خواهد گرفت؟ با توجه به کلان‌روندهای پیش‌رو، فرصت برای جبران غفلت‌های گذشته زیاد نیست.

هستی قاسمی: در روزهای اخیر مجلس شورای اسلامی قانونی را به تصویب رساند که بر اساس آن دولت ملزم به کاهش همکاری با آژانس می‌شود. البته رئیس‌جمهور روحانی اعلام کرده است کسی نمی‌تواند خط‌مشی برای دولت تعیین کند. از سوی دیگر، پالس‌های مثبتی از سوی بایدن برای بازگشت به برجام در فضای بین‌الملل طنین‌انداز شده است. حال این پرسش اساسی به وجود می‌آید که آیا جناح‌های سیاسی بازگشت به برجام را که منطق بر منافع ملی است، دستمایه منافع جناحی خود قرار می‌دهند؟ بر این اساس، ابراهیم اصغرزاده معتقد است: «تندروها که شعار خروج از پروتکل الحاقی و فروپاشی برجام می‌دهند، به پای خود شلیک می‌کنند. فراموش نکرده‌ایم وقتی در دوره احمدی‌نژاد، همین تندروها با غرب درگیر شدند، نه‌تنها پیش‌رفتی در پرونده هسته‌ای حاصل نشد بلکه این امر منجر به اعمال تحریم‌های سنگینی علیه ایران شد و اقتصاد کشور را فلج کرد». اکنون که برخی از جناح‌ها به دنبال بهره‌برداری سیاسی به نفع خود از فرصت برجام آن‌هم در انتخابات ۱۴۰۰ هستند، چه باید کرد؟ در این زمینه «شرق» با این فعال سیاسی اصلاح‌طلب به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه آن را می‌خوانید.

۴ برجام به وضعیت بسیار حساسی رسیده است؛ از یک سو بایدن بازگشت به آن را متمثل اما سخت می‌داند و از سوی دیگر محمدباقر قالیباف و جناح اصولگرای مجلس درصدد خروج از آن هستند. چرا هر بار که قرار است از مشکلات مردم کاسته شود، برخی سینه جاک کرده و فریاد واپارما سر می‌دهند؟

قوه عاقله نظام تمایل ندارد پیش از این ایران درگیر چالش شود. برخی تندروها، شتاب‌زده شیور را از سر گذاشد می‌زنند. از نگاه آنها دو بلوک قدرت متعارض در ساختار وجود دارد؛ یکی معتدل و سازش‌کار که تحت تأثیر جریان اصلاحات است و دیگری آکبند انقلابی و سازش‌ناپذیر تحت تأثیر اصولگرایی؛ خط‌کش گذاشته مهم و نقش هرکدام را در انسداد موجود مشخص کرده‌اند. بنابراین با یک مصوبه دو هدف را نشانه می‌گیرند؛ نخست، اگر تحریم‌ها برداشته شد که چه بهتر، دیدید اولتیماتوم ما کارگر افتاد. دوم، پس از مدتی کوتاه اگر اقدامی انجام نشد، دولت سازش‌کار از پروتکل الحاقی باید خارج شود که مفهوم سیاسی آن نابودی برجام به دست خود است و بی‌اعتباری کامل نصیب دولت و حامیان او می‌شود؛ بازگشت به نقطه صفر احدی‌نژادی. در هر صورت بار مسئولیت رفتن یا ماندن در توافقی بی‌خاصیت برجام بر عهده دولت بوده و امتیازات حاصله به حساب آنها واریز خواهد شد. کسی هم لازم نیست حساب پس بدهد که چرا قطع‌نامه‌اندشان پاره نشد و چراهای دیگر. با کسب حدود ۲۰ درصد رای مردم تهران به نام ملت ایران سخن می‌گویند و به رئیس‌جمهوری که بالای ۶۰ درصد آرای کل کشور را کسب کرده، طعنه می‌زنند که ما مثل دولت حرف نمی‌زنیم؛ زیرا نماینده مردم هستیم. تندروهایی که از اداره یک ناوایی ناتوان هستند و به مهارت گفت‌وگو با اصلاح‌طلبان و دیگر هم‌وطنان منتقد و معترض خود بی‌بهره‌اند، چگونه قرار است نسخه حکومت‌داری ببینند و با دنیا وارد گفت‌وگو و تعامل شوند؟ مصوبه FATF را که قرار بود جان به اقتصاد بی‌جان کشور ببخشد، سال‌ها بایگانی کردند و مسئولیت عواقب آن را هیچ‌گاه نپذیرفتند؛ اما اینجا خیلی سریع در یک رفت‌وآمد تأیید مصوبه را گرفته، به قانون تبدیل کردند و بدون معطلی نیز ابلاغ کردند. نمی‌فهم حالا که با شکست ترامپ اعتبار اخلاقی و سیاسی ایران افزایش یافته، تندروها چرا این‌قدرعصبانی شده‌اند؟

۵ این عصبانیت نشانه چیست؟ آیا نشانه رویگردانی مردم از تندروها نیست؟

عصبانیت و ادبیات خشن روی دیگر همان سکه رومانیتسیسم است که سال‌ها پیش از رواج افتاده و قوه ابراء ندارد. در تفکر تندروها، میانه‌ای وجود ندارد. حد وسط، میانه‌روی، اعتدال و عمل‌گرایی، منفی و مسرود است. کسانی که در مقاصد سیاسی ایشن تردید روا دارند، باید از قطار پیاده شوند. تندروها به‌جای توضیح درباره تصمیمات و عملکردهای پر هزینه خود، فرار رو به جلو می‌کنند. می‌خواهند ثابت کنند از عموزاده‌های اصولگرای خود بیشتر به فکر اقتدار و منافع نظام هستند. مگر هدف اصلی اصولگرایی احترام به سنت‌ها و نهادهای جالفتاده‌ای مانند مالکیت، خانواده، مذهب، دولت و نگهداری و حفظ وضع موجود نیست؟ نمی‌شود منتهاالیه راست سیاست ایستاد و شعارهای رادیکال ساختارشکن سر داد. یادتان نرفته آتشی که عده‌ای خودسر به تلافی اعدام شیخ نمر، به سفارت عربستان انداختند چگونه خرم هم‌زستی دو کشور را سوزاند. این خودسرها بارها نشان داده‌اند مفهوم منافع ملی اساسا برایشان موضوعیت ندارد، بلکه زیست‌شان در دشمن‌تراشی بی‌حاصل و ماجراجویی‌های تنش‌زا خلاصه شده است. حتما شما با سابقه تروریستی فرقه طالبان آشنا هستید که بارها با عملیات انتحاری، جنایات بی‌شمار مرتکب شده‌اند. جالب آنکه سفیر ایران در دوحه، طالبان را یک جنبش خوانده است! همان

سیاست

ابراهیم اصغرزاده در گفت‌وگو با «شرق»:

حقایق را به گوش مقامات نرسانیم، تبه‌کاریم

آشتی‌ناپذیری تندروها اهداف ملی را امنیتی‌کرد



عکس: سپهر تاک، شرق

جنبش اصیلی که کنسولگری ایران در مزارشریف را اشغال و ۱۱ دیپلمات هم‌وطن ما را با قساوت سلاخی کرد، چرا در اردوی تندروها کسی جرئت پیدا می‌کند طالبان را یک جنبش اصیل بنامد و حضور نمایندگانش در سفارت ایران در دوحه را به فال نیک بگیرد. با این دست‌فرمان از فردا می‌شود مدال افتخار به سینه هرکسی که علیه غرب و آمریکا جنایتی کرده زد و خوشامد گفت و از همکاری با او دم زد. حتما از نظیر تندروها دیگر سرانیز نشود. درمانده نیست و خواهند گفت در دنیای سیاست، دوستی‌ها و دشمنی‌ها همیشگی نیست؛ طالبان حال امروز که پوست انداخته و واقع‌گرا شده و با آمریکایی‌ها دارد مذاکره می‌کند. نمی‌دانم وقتی به قول آیت‌الله سیستانی، دوستان از درست‌کردن یک فاضلاب در اهواز که به خانه‌های مردم سرانیز نشود، درمانده و عاجزند، چگونه می‌خواهند دنیا را مدیریت کنند.

۴ برخی که عموما از بخش رادیکال و احساسی جناح اصولگرا هستند، همواره این‌گونه تلقین می‌کنند که میان جمهوری‌خواه و دموکرات، بایدن و ترامپ، برای ایران تفاوتی نیست، به‌راستی تفاوتی وجود ندارد؟

البته انتخابات در آمریکا مثل هر جای دیگر، انتخاب میان دیو و دلبر نیست، بلکه انتخاب اشخاصی است که جز به پیشبرد اهداف حزبی و تأمین منافع ملی کشورشان، به چیز دیگری نمی‌اندیشند. اگر چهار سال پیش انتخاب ترامپ می‌توانست صلح و هم‌زیستی جهانی را به مخاطره افکند، پیروزی بایدن که نماینده و نماد قواعد کلاسیک لیبرالی و نولیبرالی است، می‌تواند رشد همگون و متوازن اقتصادی جهان را به خطر اندازد. گرچه بر سر راهبردهای اصلی، هر دو گروه دموکرات و جمهوری‌خواه توافق اصولی دارند؛ با وجود این، شکی نیست تفاوت‌ها و

تعارض‌هایی در شیوه عمل

در رئیس‌جمهور وجود دارد. اختلاف‌ها بیشتر معطوف به وزن‌دهی استراتژیک مسائل و اولویت‌بندی آنهاست.

جامعه آمریکایی یکدست نیست و انتخابات آن را بیش‌ازپیش دوشقه کرده و همراه خود انواع شکاف‌های طبقاتی و اجتماعی بزرگ و حد را فعال کرده است. گرچه با گزینش جو بایدن، عصر جدیدی

آغاز نشده؛ اما برای پیشگیری از رشد نیروهای راست افراطی و بنیادگرا نوعی وحدت نظر و مفاهمه‌ای در سطح جهانی شکل گرفت. پیروزی بایدن به روند جهانی‌شدن کار و سرمایه کمک می‌کند. نقش

آمریکا و کلید تحولات و بحران آن به‌عنوان حلقه اصلی و سلبی زنجیره سرمایه‌داری جهانی با خود فرصت و تهدیدهای توأم می‌آفریند. در صورتی نمی‌شود مقاصد خصمانه دولت آمریکا را دست‌کم گرفت. بـا وجود همه این دشواری‌ها و دغدغه‌ها، شکست ترامپ موقعیت و منزلتی برای ایران ایجاد کرده که می‌تواند از موضوع برابر و مقتدرانه به گفت‌وگو‌ی سازنده با دولت جدید آمریکا که در چارچوب برجام یا به پل‌تفرم دیگر بنشیند، تنش را مدیریت کند و بازسازی اقتصاد خود را در اولویت قرار دهد. فرصت سیاسی و اعتبار اخلاقی برای ایران به معنای آسان‌بودن مذاکره و مصالحه با دولت بایدن نیست.

۴ با این اوصاف چه باید کرد؟ از نظر شما وضع بهتر می‌شود؟ یعنی واقعا می‌شود به بایدن اعتماد کرد؟

به هیچ‌کس نباید اعتماد کرد. کشورهای صنعتی پس از رکود اقتصادی ناشی از پاندمی کرونا دنبال بهانه می‌گردند. آمریکا حالا بیش از گذشته برای توجیه هزینه‌های نظامی و امنیتی خود احتیاج به بزرگ‌نمایی تهدیدات خارجی دارد. حالا که بایدن بالاترین میزان رای تاریخ معاصر آمریکا را در رقابت با یک جنبش اقتدارگرای پوپولیست کسب کرده و توان اجماع‌سازی جهانی علیه ما را به دست آورده، جا دارد جنبه‌هایی از دکترین امنیت ملی خود را به گونه‌ای تدوین و اولویت‌گذاری کنیم تا تضمین‌کننده درازمدت منافع ملی ایران و ایجاد فرصت‌های

جدید شود. شیوه عمل بایدن درباره مسائل خارجی

به نفع ایران نخواهد بود. بارها گفته‌ام جای نظامیان عرصه سیاست و سیاست‌ورزی نیست. ما به برگزاری یک انتخابات معنادار و رقابتی که به جلب مشارکت بالای مردم در ۱۴۰۰ بینجامد، بیشتر نیازمندیم. شاید برای عده‌ای که به درآمد بی‌رحمت نفتی و کاسبی دورزن تحریم‌ها عادت کرده‌اند، توسعه اقتصادی کمتر از نفوذ فرهنگی و نظامی اهمیت داشته باشد؛ اما روشن است که در بزنگاه وزن‌کشی ما و آمریکا نباید بی‌ثباتی فزاینده اجتماعی را دست‌کم گرفت. ازاین‌رو مرم‌ترین برنامه دولت، یافتن راهی برای لغو فشار حداکثری و انحلال سازمان تحریم‌ها از هر طریق ممکن است. مگر به چشم خود نمی‌بینید که امروزه تحریم اقتصادی در رقابت آمریکا با چین یا روسیه، چگونه کارکردی مهم‌تر از مسابقه تسلیحاتی پیدا کرده است. اصولگرایان بر پایه خطای راهبردی شب قبل از تصویب اولین قطع‌نامه باور داشتند قطع‌نامه‌ای علیه ایران در شورای امنیت تصویب نخواهد شد. نباید گذاشت ساده‌اندیشی دور احمدی‌نژاد با هم تکرار شود.

۴ در شرایط فعلی برخی معتقدند اصولگرایان به علت اینکه ممکن است بایدن به برجام بازگشته و شرایط اقتصادی نیک شود و مردم در ۱۴۰۰ به سمت بهبودخواهان (اصلاح‌طلبان و اعتدال‌بون) حرکت کنند، درصدد تا می‌توانند آثار بازگشت بایدن به برجام را بکاهند. اصلاح‌طلبان در این شرایط چه‌کار کنند تا جراتی، منافع مردم ایران را بیش از این بازیچه اهداف سیاسی خود قرار ندهند؟

گویا مانند اصل بقای انرژی، تندروی قرار نیست در کشور فروکش کند بلکه از حالتی به حالت دیگر تبدیل می‌شود. الگوی تندروها برای ابتکارعمل در تقابل با آمریکا نوعی انقلابی‌گری ازمُدا افتاده محافل چپ جهان‌سومی است که در هراس‌افکنی و هیولاسازی از غرب برای امتیازستانی خلاصه می‌شود. خوش‌خیالی است اگر تصور شود بایدن در شرایطی که از تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران آگاه است و نیاز مبرم ما به برداشتن تحریم‌ها را به خوبی می‌شناسد، بـا توجه به مقاومت نکره و لشکر ۵۰ میلیون ترامپست، به‌راحتی قادر به برداشتن یا تعلیق تحریم‌ها شود. مهم نیست چه جریانی در ایران ابتکار عمل بن‌بست‌شکنی و لغو تحریم‌های ظالمانه و ضدبشری را به دست گیرد، مهم این است که اقدام عملی فوری بدون فوت وقت صورت نپذیرد. نه آنکه منتظر بمابین تا دستی از غیب برآید و کاری بکند. این مایه از بی‌توجهی به منافع ملی و مصلحت کشور را نمی‌دانم از کجای انقلاب و قانون اساسی بیرون کشیده‌اند؟ طبعاً اگر اصلاح‌طلبان دستشان برای حل مشکلات کشور بسته باشد، همان بهتر که گوشه‌ای بنشینند و میدان‌داری تندروها را نظاره کنـ تا با حضور دست‌ویاسته و خشتی، توجیه‌گر وضع موجود و نسخه‌های دیکته‌شده آنان باشند. اما اگر بازگشت اصلاح‌طلبان به مصادد تصمیم‌گیری ممکن، مؤثر و معنادار باشد، اقدام آمریکا برای امنیتی‌سازی بین‌المللی مسائل ایران مثل دوره مذاکرات برجام یا زمان دولت اصلاحات ناکام خواهد ماند.

دوم خرداد سال ۷۶ با یاد دارید مشارکت رقابتی و بالای مردم و رویکرد سیاست‌خاتی که نه طرح تهدید علیه دیگران بلکه گفت‌وگو‌ی تمدن‌ها و هم‌زیستی مسالمت‌جویانه با همسایگان اعلام شد چگونه میان آمریکا و تمدنش شکاف انداخت، اما اجماع‌سازی علیه ایران از میان رفت و تمامی سفرای اروپایی که به تهران اترک کرده بودند، به ایران بازگشتند. زمانی رئیس‌جمهور تدروی ما گفت آمریکایی‌ها از من می‌ترسند، یک سخنرانی بکنم اقتصاد آمریکا فرومی‌پاشد و در آستانه تحریم‌ها ادعا کرد اگر از مردم ایران بپرسید تحریم چی هست بهتون می‌گن تحریم نمُدی؟ آشتی‌ناپذیری و اتناگوئیسم تندروها نه‌تنها شکافی در جبهه دشمنان کشور در سطح بین‌المللی و حتی منطقه‌ای ایجاد کرد که در عوض مقاصد و اهداف ملی و انقلابی ما را نـزد افکار عمومی جهان امنیتی‌تر کرد. تاجایی‌که افکار عمومی جهان که در زمان در برابر سلطه‌جویی و آتش‌افروزی امپریالیست‌ها می‌ایستاد، حاسیت خود را از نسبت به تحریم‌های ظالمانه و فلج‌کننده علیه ایران از دست داد و بی‌تفاوت شد. نباید به‌گونه‌ای عمل می‌شد که افکار عمومی دنیا در برابر ماجراجویی علیه ما انعطاف پیدا کند. تندروها اساسا به ضرورت اعتمادسازی، کاربست دیپلماسی عمومی و بالابردن هزینه سیاسی و معنوی هر نوع ماجراجویی علیه ایران اعتقادی ندارند.

۴ اگر اصولگرایان قصد داشته باشند از اهرم بازگشت بایدن به برجام در انتخابات ۱۴۰۰ به نفع خود استفاده کنند، آیا آنها با ادبیات دیپلمات‌هایی مانند سعید جلیلی که بیشترین فاصله را با پرورژه برد- برد ظریف و روحانی و مجموعه تحول‌خواهان دارند، می‌توانند در مسائل مختلف منطقه به رفع جالش‌ها کمک کنند؟

اردوی اصولگرایان البته یکدست نیست. یک طیف آنها بقای نظام را در گرو کارآمدی اقتصادی می‌بیند و بیشتر مایل به تعامل و بسط مناسبات با دنیاست.

ادامه در صفحه ۴

روزنه

نمایندگان مجلس حضور در مذاکرات برجام‌را از دولت خواستار شدند

سهم بهارستانی‌ها از مذاکرات

● **وحیده کریمی:** «مذاکره با آمریکا را خلاف منافع ملی می‌دانند و مخالف آن هستند؛ مگر اینکه در تیم مذاکره‌کننده قرار بگیرند»؛ این موضع رسمی نمایندگان مجلس یازدهم در قبال دولت، برجام و مذاکرات احتمالی در آینده است. بهارستانی‌ها که هفته گذشته با تصویب طرح اقدام راهبردی در مقابله با تحریم‌ها به پیشواز مخالفت با هرگونه احتمال بازگشت آمریکا به برجام و لغو تحریم‌ها رفتند، اکنون با آغاز هفته از سهم‌خواهی در مذاکرات احتمالی می‌گویند. البته همچنان از یک سو بر طبل مخالفت به برجام می‌کوبند و مذاکره را نفی می‌کنند و از سویی دیگر به دنبال حضور در تیم مذاکره‌کننده هستند.

رئیس کمیسیون انرژی مجلس در همین زمینه گفته است: قطعا در مذاکرات آینده چند نفر از نمایندگان مجلس هم باید در مذاکرات حضور داشته باشند و اجازه نخواهیم داد که چند نفر برای کشور نسخه بیچیند. البته فریدون عباسی‌دوانی در گفت‌وگو با خانه ملت، به هدف مجلس از تصویب طرح اقدام راهبردی برای تحت فشار قرار دادن تیم مذاکره‌کننده برای قبول نمایندگانی از مجلس در این تیم اشاره می‌کند و می‌گوید: با تصویب اقدام راهبردی در مقابله با تحریم‌ها مذاکره‌کنندگان کشورمان توجیه خواهند شد که باید به خطوط قرمز تعیین‌شده پایبند باشند و مطابق آن پای میز مذاکره بروند و دیگر به آنها این اجازه را نخواهیم داد که مانند معاهده برجام با دستان خالی به مذاکره بنشینند. متأسفانه این طایفه برجامی کشور را خلع سلاح کرد و بعد از آن به میدان مذاکره گذاشتند و گفتند ما نتوانستیم خطوط قرمز را حفظ کنیم؛ اما این دفعه برای رعایت‌نکردن خطوط قرمز مجازات هم تعیین کرده‌ایم و باید بدانند که مذاکره باید عزتمندانه باشد و زیر بار حرف زور ترونیکی اروپایی نروند.رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در ادامه تصریح می‌کند: مذاکره امر ناپسندی نبوده و همیشه هم باید وجود داشته باشد. حتی آمریکایی‌ها در حوزه اقتصادی می‌توانند با ما مذاکره کنند؛ اما در برجام این اتفاق نخواهد افتاد؛ چراکه آنها از برجام خارج شدند، بنابراین در ابتدا باید به برجام بازگردند و آن سوی میز مانند کشورهای دیگر به میانه جبهه بپردازند و البته چنین اقدامی مشروط بر این بوده که همه تحریم‌هایی را که باید در روز ماضی برجام لغو می‌شد، ملغی کنند و پس از آن باید بگویند که چرا در چند سال اخیر ما را تحت فشار گذاشتند و باید خسارت را هم بپذیرند و این معنای مذاکره است. این دفعه هم هدف از مذاکره می‌تواند به ازای دریافت غرامت باشد؛ چراکه باید از حقوق خود بهره‌مند شویم. رئیس سابق سازمان انرژی اتمی کشور در بیان پیش‌شرط‌های مذاکره عنوان کرده است: اگر بخوایم مذاکرات را ببینیم، دیگر از موضع ضعف نخواهد بود و اگر مذاکره‌کنندگان کشورمان بخواهند پای میز مذاکره بنشینند، باید غنی‌سازی بیشتر را هم طلب کنند و همچنین تحریم بانک مرکزی، بیمه و... نیز باید در همان ابتدای مذاکره برداشته شود. به اعتقاد این نماینده مجلس در حقیقت با تصویب قانون اقدام راهبردی در مقابله با تحریم‌ها مجلس شورای اسلامی به دولت کمک کرده است و گفته قطعا ما اجازه قبیله‌گرایی در مذاکرات بین‌المللی را به احدی نخواهیم داد و باید با اجماع و خرد جمعی تیم مذاکره‌کننده به مذاکره بپردازد؛ ضمن اینکه آن پس نمایندگان مجلس نیز در مذاکرات باید حضور داشته باشند؛ زیرا نمی‌شود که چند نفر از دولت یا یک گروه خاص نسخه‌ای برای همه مملکت بیچیند.درهمین راستا، رحیمی جهان‌آبادی با اشاره به نشست آتی کمیسیون مشترک برجام گفته است:

ایران زیر بار مذاکره و توافق جدید نمی‌رود. این عضو کمیسیون امنیت مجلس در توصیه‌ای به دستسکاه دیپلماسی عنوان کرده است: در نشست مشترک برجام انتظار می‌رود که آقای عراقچی به‌عنوان نماینده ایران بر دو نکته تأکید کنند: در کام نخست بیان شود که بهترین توافق برجام است و ایران زیر بار قرارداد، گفت‌وگو و مذاکره جدید نمی‌رود. همچنین به گروه ۴+۱ تأکید شود که در صورتی‌که غربی‌ها به مسیر اجرای تعهدات خود در قالب برجام برگردند، قطعاً ایران نیز به تعهدات گذشته خود عمل می‌کند. این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی گفت: و یابیندی آنها از سوی کمیسیون امنیت ملی مجلس صاف شود، قطعاً ایران هم دلیلی ندارد که به تعهدات برجامی خود برگردد.یک بام و دو هوایی در برخورد با برجام و مذاکرات آینده در میان نمایندگان مجلس در حال تبدیل‌شدن به سهم‌خواهی آشکار از دولت برای موافقت و همراهی در مذاکرات احتمالی است، رفغ تحریم‌ها و بازگشت آمریکا به برجام یک خواست عمومی در ایران است؛ اما نگاه نمایندگان مجلس به دستاورد این مذاکرات به جای منافع ملی شبیه به منافع حزبی و حتی شخصی است.مجلسی که در اقدامی شتاب‌زده طرح اقدام را تصویب کرد و رئیس آن بدون توجه به فرصت رئیس‌جمهور برای ابلاغ طرح مصوب، آن را ابلاغ کرد، اکنون به دنبال صندلی در مذاکرات است. این رفتارهای مجلسیان به اقدامات تبلیغاتی با نیم‌نگاهی به انتخابات برای بالابردن شانس اصولگرایان و نماینده مورد حمایت اکثریت مجلس در ۱۴۰۰ تغییر می‌شود که از یک سو شعار مرگ بر آمریکا سر می‌دهند و از سویی به دنبال مذاکره با آن هستند.